

## چرا حل این مسائل مشکل است؟

نوتل کاستری<sup>۱</sup>

مترجم: مهدی دهقان - دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه یزد

کاهش یافت و فقط چند هزار فک باقی ماندند. چون ۴ کشور با این مسأله سروکار داشتند، بنابراین همکاری برای توقف روند کاهش تعداد فک‌ها، به آسانی صورت می‌گرفت. نتیجه این همکاری «پیمان فک اقیانوس آرام شمالی» در سال ۱۹۳۰ آ بود که به موجب آن، ۴ کشور توافق کردند تا به مدت ۱۰ سال شکار فک‌ها را متوقف سازند.

در عوض، بسیاری از مسائل زیست محیطی بین المللی، تعداد زیادی از کشورها را دربرمی‌گیرد. گرم شدن کره زمین روشن‌ترین مثال است، زیرا واقعاً یک مسأله جهانی است. در واقع می‌توان گفت، فوق‌العاده مشکل است که بیش از ۱۶۰ دولت بتوانند، برای حل این مسأله در مورد یک برنامه کلی به توافق برسند. بنابراین، یکی از دلایل این که چرا هم اکنون توافق الزام آور منطقی برای مسأله گرم شدن کره زمین وجود ندارد، این است که تعداد زیادی از کشورها درگیر مسأله هستند.

### ۲. شناخت مسأله

یک مسأله زیست محیطی بین المللی موقعی حل می‌شود که کشورهای مرتبط با

حل مسائل زیست محیطی بین المللی قرار گرفته‌اند که این مقاله در مورد بعضی از آن‌ها بحث می‌کند. در نتیجه گیری، این سؤال مطرح می‌شود که: «آیا می‌توان این موانع را از سر راه برداشت؟»

\* ۱۰ دلیل برای این که چرا حل مسائل زیست محیطی بین المللی مشکل هستند:

۱. **فراوانی کشورهای درگیر مسأله**  
این دلیل از یک مسأله زیست محیطی به مسأله دیگر متفاوت است. به طور کلی، هرچه تعداد کشورهای درگیر مسأله کم‌تر باشد، به توافق رسیدن در مورد چگونگی حل مسأله پیش آمده، آسان‌تر است. مثلاً، یکی از نخستین مسائل زیست محیطی بین المللی، فقط چهار کشور کانادا، ژاپن، ایالات متحده آمریکا و روسیه را در برمی‌گرفت. هریک از کشورها، از دهه ۱۸۷۰ به منظور استفاده از پوست فک‌های موجود در اقیانوس آرام شمالی به شکار آن‌ها پرداخته بودند. چون فک‌ها در آب‌های بین المللی اقیانوس آرام شناور بودند، بنابراین هر کشور در محدوده کشتیرانی خود مجاز به شکار آن‌ها بود. تا سال ۱۹۰۰، گله اولیه فک‌ها که سه میلیون عضو داشت،

گرم شدن کره زمین، صید بیش از حد نهنگ، باران‌های اسیدی، نازک شدن لایه اوزن و آلودگی بیش از حد دریاها، همگی از جمله مسائل زیست محیطی بین المللی هستند. به عبارت دیگر، این‌ها مسائلی هستند که به وسیله انسان ایجاد شده و مردم را در کشورهای مختلف جهان تحت تأثیر قرار داده‌اند. به همین دلیل، گاهی اوقات این مسائل، مسائل زیست محیطی ماورای مرزها نام گرفته‌اند.

به عنوان مثال، گرم شدن کره زمین و اثر گلخانه‌ای را در نظر می‌گیریم. جو (اتمسفر) سیستمی است ماورای مرزها، زیرا که روی مرزهای همه بیش از ۱۶۰ کشور جهان قرار دارد. در نتیجه، هنگامی که انسان‌ها در کشورهای مختلف، یک گاز گلخانه‌ای نظیر دی‌اکسید کربن را -مثلاً از طریق سوزاندن چوب یا زغال سنگ- در فضا انتشار می‌دهند، این انتشار محلی به مسأله‌ای جهانی تبدیل می‌شود.

هم اکنون سازمان‌های بین المللی، نظیر «سازمان ملل»، به شدت در تلاشند تا کشورها را برای حل این مسائل زیست محیطی ماورای مرزی به همکاری وادارند. اولین اجلاس «سران زمین»<sup>۲</sup> که در سال ۱۹۹۲ در «ریودو و ژانیرو»، در برزیل برگزار شد، توجه جهانیان را به افزایش این قبیل مشکلات جلب کرد. در سال‌های بعد از اجلاس سران، مجموعه جدیدی از برنامه‌های زیست محیطی بین المللی اجرا شد که نشان‌دهنده افزایش «آگاهی بین دولتی» در مورد مسئولیت مشترک برای کنترل ذخایر زمین است.

با این همه، امروزه موانع بزرگی سرراه

خورشید به سطح زمین جلوگیری کند. به علت این عدم قطعیت علمی، در حال حاضر بسیاری از کشورها علاقه‌ای به صرف هزینه برای یافتن جایگزین‌هایی برای سوخت‌های فسیلی ندارند و همکاری برای رسیدن به توافق جهانی در جلوگیری از گرم شدن کره زمین، به دست فراموشی سپرده شده است.

### ۳. اختلافات سیاسی بین دولت‌ها

هنگامی که بین دولت‌ها اختلافات سیاسی وجود دارد، همکاری برای حل مسائل زیست محیطی مشکل است. یک مثال روشن امروزی در این زمینه، به کشورهای اردن و اسرائیل و استفاده از رودخانه اردن مربوط می‌شود. این دو کشور، مانند دیگر کشورهای خاورمیانه، اقلیم نیمه‌خشک دارند و با کمبود آب شیرین مواجه هستند. به علاوه، هر دو کشور طی چهل سال گذشته نرخ بالایی رشد اقتصادی را تجربه کرده‌اند؛ مخصوصاً اسرائیل که به سرعت از لحاظ اقتصادی پیشرفت داشته است.

راه حل منطقی برای اردن و اسرائیل این است که با همدیگر همکاری کنند و از آب رودخانه قبل از کم شدن ذخیره آن، به جای صورت عادلانه و برابر سهم ببرند. به جای این همکاری، اسرائیل سال‌هاست که قسمتی را که ساحل غربی رودخانه نامیده می‌شود - و بین رودخانه اردن و مرز بین اسرائیل و اردن قرار دارد - اشغال کرده است. این موضوع یک مانع عمده سیاسی برای به توافق رسیدن در مورد سهم آب است. تا زمانی که اسرائیل، در مورد برگرداندن قسمت‌هایی از ساحل غربی،



آن، بر سر مسأله بودن آن به توافق برسند. شناخت مسأله در مورد «فک‌ها» که در بالا ذکر شد، نسبتاً آسان بود؛ چون تا سال ۱۹۰۰ کشتی‌های صید فک، فک‌های کم‌تری صید می‌کردند. اما شناخت بسیاری از مسائل زیست محیطی بین‌المللی معاصر بسیار مشکل‌تر است.

در این مورد نیز، مسأله گرم شدن جهان مثال خوبی است. مطمئناً دانشمندان می‌توانند افزایش تراکم گازهای گلخانه‌ای را در جو اندازه‌گیری کنند. اما آن‌ها متوجه شده‌اند که اندازه‌گیری اثرات این افزایش روی درجه حرارت جهانی، بسیار دشوار است. به طور کلی، چون جو سیستم پیچیده و بزرگی است، پیش‌بینی پیامدهای احتمالی افزایش انتشار دی‌اکسید کربن و دیگر

آلوده‌کننده‌ها آسان نیست. در واقع، بسیاری از دانشمندان معتقدند که در نتیجه انتشار این گازها، امکان خنک شدن کره زمین وجود دارد. ممکن است گرم شدن اولیه کره زمین، بعدها به تخییر بیش‌تر در سطح زمین منجر شود و افزایش پوشش ابر، از رسیدن تابش



حاضر به مذاکره یا اردن شود که اثری از این اتفاق دیده نمی شود. دو کشور به رقابت گسترده در مورد آب رودخانه اردن (بیش از سهم بری از آن)، ادامه خواهند داد.

#### ۴. برداشت و تعبیر مردم

معمولاً دولت‌ها برای حل یک مسأله زیست محیطی بین‌المللی به حمایت‌های مردمی نیاز دارند. با وجود این، همه مسائل زیست محیطی بین‌المللی تأثیر یکسانی روی عامه مردم ندارند. مسائلی که دارای جنبه‌های احساسی و عاطفی باشند، می‌توانند روی مردم تأثیر بگذارند.

مثال برجسته در این مورد به «وال‌ها» مربوط می‌شود. تا اوایل دهه ۱۹۸۰، صید

تجاری وال بدون هیچ‌گونه اعتراضی ادامه داشت. تا این که بعضی از گونه‌های وال در آستانه انقراض قرار گرفتند. فعالیت‌های رسانه‌ها به همراه سازمان‌های طرفدار محیط زیست، نظیر «صلح سبز»<sup>۵</sup>، توجه عموم را به صید خشونت بار وال‌ها جلب کرد. آن‌ها وال‌ها را موجوداتی مهربان و بی‌گناه توصیف می‌کردند که با دست‌انگیزی و پول دوست صیادان قتل‌عام می‌شوند. در نتیجه در سال ۱۹۹۳، کمیسیون بین‌المللی صید وال (IWC) که هیأتی بین‌المللی برای کنترل صید وال است، صید تجاری همه گونه‌های وال را به جز چند گونه، ممنوع اعلام کرد.

در مقایسه با مثال بالا، برای این که عموم مردم به اهمیت مسأله‌ای نظیر گرم شدن کره زمین پی ببرند، وقت بسیار زیادی لازم است. برخلاف صید وال، پی بردن به اهمیت گرم شدن جهان مشکل‌تر و تأثیر عاطفی آن کم‌تر است. به همین ترتیب، چون دولت‌ها برای حل این مسأله تحت فشار شدید مردم نیستند، شور و شوق چندانی برای حل آن نشان نمی‌دهند.

#### ۵. نابرابری ثروت بین کشورها

میزان ثروت و توسعه کشورها یکسان نیست. در حالی که کشورهای نظیر ایالات متحده آمریکا و ژاپن به طور چشمگیری ثروتمندند و کشورهایمانند تایلند و مکزیک به سرعت در حال توسعه هستند، بعضی کشورها از فقر شدید رنج می‌برند و پیش‌بینی می‌شود که در آینده نیز در این فقر باقی بمانند؛ از جمله: اتیوپی، بورکینافاسو و برونودی. برای بسیاری از کشورهای فقیر، حفاظت از محیط زیست اقدامی تجملی و گران‌قیمت است. برای نمونه، با این که سوزاندن چوب، «دی‌اکسید کربن»<sup>۶</sup> جورا افزایش می‌دهد، اما تنها وسیله پخت غذا و گرم کردن خانه در بسیاری از کشورهای توسعه نیافته به حساب می‌آید. در چنین شرایطی، کوشش برای محدود کردن انتشار

دی‌اکسید کربن به منظور داشتن جهانی بهتر غیرممکن است. کشوری نظیر اتیوپی؛ سختی می‌تواند به فناوری لازم برای جایگزینی نیروی باد یا خورشید به جای سوخت چوب، دست یابد.

#### ۶. مسؤولیت‌های نابرابر

بعضی از مسائل زیست محیطی بین‌المللی با مسؤولیت‌های نابرابر مواجه هستند که باعث می‌شود، همکاری بین دولت‌ها به تأخیر بیفتد. تخریب «لایه اوزون» و «گرم شدن جهان» مثال‌های خوبی در این مورد هستند. مقصران اصلی در این دو مسأله زیست محیطی فراملی، معدود؛ از کشورهای توسعه یافته هستند (مخصوصاً ایالات متحده آمریکا، کانادا، آلمان فرانسه، ژاپن و انگلستان). این کشورها مقدار زیادی از گازهای گلخانه‌ای «CFC»<sup>۷</sup> را که باعث نابودی تدریجی اوزون جو می‌شود، وارد جو کرده‌اند. با این همه، همین کشورها از کشورهای در حال توسعه می‌خواهند که برای CFCها سوخت‌های فسیلی، جانشینی پیدا کنند. همان‌طور که انتظار می‌رفت

کشورهای در حال توسعه به این بی‌انصافی پی بردند. همان‌گونه که کشور هند در اجلاس سران زمین در سال ۱۹۹۲ قاطعانه اعلام کرد، کشورهای در حال توسعه اجازه نمی‌خواهند، بدون هیچ‌گونه محدودیتی از مزایای صنعتی شدن بهره‌مند شوند؛ ولی این که به معنای آسیب رساندن به محیط زیست جهانی باشد. کشورهای در حال توسعه چنین استدلال می‌کنند که با توجه به مشکلات و فقری که با آن مواجه هستند، این وظیفه کشورهای توسعه یافته است که باید به فکر دست‌یابی و عرضه فناوری‌های بدون آلودگی باشند.

#### ۷. رهبری قوی

بعضی از مسائل زیست محیطی بین‌المللی حل شده‌اند؛ زیرا کشورهای درگیر

با آن‌ها، تحت تأثیر رهبری قدرتمند قرار دارند. این مورد دربارهٔ صید تجاری وال اتفاق افتاده است. «کمسیون بین‌المللی صید وال» به کشوری که در صید وال شرکت نمی‌کند، اجازهٔ پیوستن به این کمسیون را نمی‌دهد. ایالات متحده آمریکا یکی از اعضای این کمسیون است. در سال ۱۹۳۳، بوش، و سپس کلینتون، رؤسای جمهور آمریکا می‌خواستند با استفاده از قدرت اقتصادی کشورشان، کشورهای صید کننده وال را مجبور کنند، از صید تجاری وال دست بردارند. مثلاً ایالات متحده به ژاپن که یکی از کشورهای مهم صید کننده وال است، هشدار داد، اگر از صید وال دست نکشد، از ماهی‌گیری این کشور در آب‌های «آلاسکا» که متعلق به ایالات متحده است، جلوگیری می‌کند (صید ماهی از آب‌های آلاسکا، سالانه ۲۵۰ میلیون دلار برای ژاپن سود دارد). با توجه به این که در حال حاضر فقط ۶ کشور در صید وال دست دارند، می‌توان گفت، در مسائل زیست محیطی بین‌المللی که کشورهای زیادی درگیر آن هستند، طبیعتاً هیچ کشوری نمی‌تواند با اجبار، سایر کشورها را به همکاری وادارد.

## ۸. یک سازمان دولتی جهانی

به علت نبود یک «سازمان دولتی جهانی» که بتواند با اجبار دولت‌های ملی را با هم هماهنگ سازد، همکاری در مورد مسائل زیست محیطی بین‌المللی غالباً با مشکل مواجه می‌شود. البته در حال حاضر، «سازمان ملل» شبیه چنین سازمانی است. اما سازمان ملل فقط یک «شبه دولت» است. یعنی، در حالی که نماینده بسیاری از کشورهای جهان محسوب می‌شود، ولی بدون اختیارات یک دولت ملی ایجاد شده است. در نتیجه، هرگاه دولت‌های ملی ترجیح دهند، سازمان ملل را نادیده می‌گیرند.

برای مثال در سال ۱۹۹۲، سازمان ملل از همه کشورهای جهان درخواست کرد تا

پیمان «تنوع زیستی»<sup>۹</sup> را امضا کنند. این پیمان می‌خواست از انقراض و آسیب به گونه‌هایی از حشرات، حیوانات و گیاهان محافظت کند. اما ایالات متحده آمریکا از امضای آن خودداری کرد؛ چون با مقتضیات ملی اش هم سویی نداشت.

## ۹. قوانین سست بین‌المللی

هم‌اکنون بسیاری از توافق‌های زیست محیطی بین‌المللی، به طور قانونی برای کشورها الزام‌آور نیست. به عبارت دیگر، این توافق‌ها سست و فاقد قوانین سخت یا ضمانت اجرایی کافی هستند. زیرا مجموعه‌های بین‌المللی، نظیر سازمان ملل، بر پایه اختیارات قانونی دولت‌های ملی ایجاد نشده‌اند.

## ۱۰. دشواری کنترل

حتی اگر همه کشورهای مرتبط با یک مسأله زیست محیطی، موافقت‌نامه‌ای را برای حل آن مسأله امضا کنند، اغلب کنترل این که کشورها با محیط زیست چه می‌کنند، دشوار است. مثلاً، انگلستان سیستم بسیار پیشرفته‌ای برای اندازه‌گیری انتشار دی‌اکسید کربن در اختیار دارد، در حالی که کشوری مانند زیمبابوه نمی‌تواند این اندازه‌گیری را انجام دهد. اگر ندانیم چه مقدار دی‌اکسید کربن به وسیله کشورها وارد جو می‌شود، چگونه می‌توانیم آلودگی دی‌اکسید کربن را کنترل کنیم؟

## امید به آینده

امکان دارد خوانندگان فکر کنند، با در نظر گرفتن ۱۰ مانهی که در بالا از آن صحبت شد، تقریباً بسیاری از مسائل زیست محیطی معاصر غیر قابل حل هستند. اما این دیدگاه به چهار دلیل درست نیست:

\* تاکنون، بعضی از مسائل زیست محیطی که کشورهای زیادی درگیر آن هستند، به طوری مؤثری حل شده‌اند. مثلاً، «توافق‌نامه سال ۱۹۸۷ مونترال» در مورد

CFCها باعث فرایندی شد که تقریباً استفاده از CFCها در بسیاری از کشورهای سراسر جهان را متوقف کرد.

\* این مثال و مثال‌های دیگر نشان می‌دهند، امروزه بسیاری از دولت‌ها متوجه شده‌اند، مسائل زیست محیطی آن قدر جدی هستند که نمی‌شود آن‌ها را نادیده گرفت.

\* سازمان ملل بودجه‌ای را با عنوان «تسهیلات محیط زیست جهانی» برای کشورها، مخصوصاً کشورهای فقیرتر در نظر گرفته است تا به عنوان بخشی از توافق‌های زیست محیطی بین‌المللی، برای ایجاد شکل‌های تمیزتر توسعه پرداخت شود.

\* سرانجام، نباید توانایی کشورها را برای سازش با مزایای همکاری‌های بین‌المللی دست کم گرفت. برای مثال، سیستم جدید «مالیات کربن»<sup>۱۰</sup> برای جلوگیری از گرم شدن جهان، صدها میلیون پوند هزینه برای کشورهای توسعه یافته در برداشته است. اما این امر باعث نشده است که کشورهایی مانند ایالات متحده، انگلستان و... از این سیستم حمایت نکنند.

## منبع

International environmental problems, why are they hard to solve? Noel castree, Geography Review vol 14, No3, January 2001.

## زیرنویس

1. Noel Casteo
2. Earth Summit.
3. 1910 North pacific Fur Seal convention.
4. West Bank
5. Green Peace
6. International Whaling commission
7. chlorofluorocarbons
8. convention on Biodiversity
9. New carbon tax system